

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

فرستنده: عنایت و همن

۰۹ مارچ ۲۰۱۵

مطایبه ای شیرین با روز هشتم مارچ

نوجوانی آمد اندر منزلی از بهر کار گفت خانم، چیست نامت؟ گفت: اسمم اکبر است
گفت در اینجا اگر خواهی شوی مشغول کار از زبان باید تو باشی لال و گوشانت کراست
گفت روی چشم، هر امری که تا صادر شود من اطاعت می کنم از هر که اینجا سرور است
گفت خانم، هر چه اینجا بشنوی از نیک و بد گوشهایت یک بود دیوار و آن دیگر در است
هر غذائی را که خوردی خام و پخته تند و شور حق نداری تا بگوئی کاین بد و آن بدتر است
گر زدم یک لنگه کفشی بر سرت از روی خشم نوش جان کن، باش ساکت کاین روال نوکراست
نوجوان با خنده از منزل برون گردید و گفت: این که می خواهی تو، نوکر نیست نامش شوهر است.